

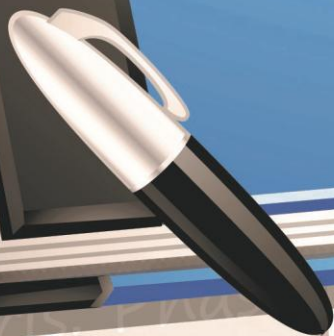
madsage
IRan Education
Research
NETwork
(IRERNET)

شبکه آموزشی - پژوهشی مادیج
با هدف بهبود پیشرفت علمی
و دسترسی راحت به اطلاعات
برای جامعه بزرگ علمی ایران
ایجاد شده است

مادیج

شبکه آموزشی - پژوهشی ایران

madsg.com
مادیج



بسمه تعالی



خلاصه کتاب اخلاق اسلامی

استاد:

حجت الاسلام و المسلمین موسوی قدمگاهی

با تشکر از آقای علی رضایی به خاطر جمع آوری و تایپ جزوه اخلاق اسلامی

معنا شناسی اخلاق و علم اخلاق

واژه اخلاق است که در لغت به معنای سرشت و سجیه آمده است. اعم از سجایای نیکو و پسندیده مانند راستگویی و پاکدامنی یا سجایای زشت و ناپسند مانند دروغ گویی و آلوده دامنی در عموم کتاب های لغوی این واژه با واژه خلق هم ریشه شمرده شده است. خلق زیبا به معنای بهره مندی از سرشت و سجیه ای زیبا و پسندیده و خلق زیبا به معنای داشتن آفرینش و ظاهری زیبا و اندامی موزون و هماهنگ است.

دانشمندان اخلاق این واژه را در معانی پر شماری به کار برده اند. رایج ترین معنای اصطلاحی اخلاق در میان دانشمندان اسلامی عبارت است از: ((صفات و ویژگی های پایدار در نفس که موجب می شوند کارهایی متناسب با آن صفات به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود.))

انواع پژوهش های اخلاقی

اخلاق توصیفی

اخلاق توصیفی همان گونه که از نامش پیداست به توصیف و معرفی اخلاقیات افراد گروه ها و جوامع مختلف می پردازند. در پژوهش های توصیفی صرفاً در پی توصیف و گزارش از اخلاقیات خاصی هستیم. این گونه پژوهش با روش تاریخی و نقلی صورت می گیرد و هدف از آن صرفاً آشنایی با نوع رفتار اخلاقی فرد یا جامعه ای خاص است و عدالت خوب ایت یا باید عدالت ورزید در اخلاق هنجاری به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که دلیل درستی کارهای درست چیست؟ معیار تمایز کار خوب و بد کدام است؟ و چرا باید متخلق به اخلاق فاضله شد و از اخلاق رذیله پرهیز کرد؟

فرا اخلاق

فرا اخلاق به بررسی تحلیلی و فلسفی درباره مفاهیم و احکام اخلاقی می پردازد. برای نمونه دغدغه قضاوت اخلاقی میان این حکم که سقط جنی بد است یا این حکم که سقط جنین خوب است را ندارد. وظیفه اصلی او صرفاً بررسی معنای خوب و بد و تحلیل گزاره های مورد بحث است.

در فرا اخلاق مفاهیم و احکام اخلاقی از سه جهت عمده مورد بحث و بررسی قرار می گیرند. از حیث معنا شناختی، از حیث معرفت شناختی از حیث وجود شناختی

اخلاق کاربردی در حقیقت زیر مجموعه اخلاق هنجاری است. به تعبیر دیگر اخلاق کاربردی همان اخلاق هنجاری است. البته در حوزه های خاصی از زندگی فردی و اجتماعی

اخلاق کاربردی در حقیقت در صدد آن است که کاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاصی نشان دهد. مباحثی مانند اخلاق دانش اندوزی و علم آموزی، اخلاق پژوهش، اخلاق نقد، اخلاق گفتگو، اخلاق محیط زیست، اخلاق سیاست، اخلاق جنسی، اخلاق هسر داری، و اخلاق معیشت را می توان از مباحث مربوط به اخلاق کاربردی به شمار آورد.

اخلاق هنجاری

این بخش از مطالعات و پژوهش های اخلاقی که اخلاق دستوری نیز نامیده شده است به بررسی افعال اختیاری انسان و صفات حاصل شده از آنها از حیث خوبی یا بدی و بایستگی یا نبایستگی می پردازد. مهم ترین نقش و کار کرد اخلاق هنجاری، ارائه نظریه و دیدگاهی معقول برای تبیین خوبی و بایستگی، یا بدی و نبایستگی یک عمل است. برای نمونه اگر در یک نظام اخلاقی گفته می شود علم اخلاق یکی از ضروری ترین علوم برای انسان است. این علم در حقیقت علم زندگی و آیین زیستن به معنای حقیقی کلمه است.

امام کاظم (ع) می فرماید:

لازم ترین دانش برای تو دانشی است که تو را به صلاح قلبت راهنمایی کند و فساد آن را برایت آشکار سازد. یکی از مهمترین رسالت های پیامبران نیز پرورش اخلاقی مردمان و تزکیه و تهذیب جان های آنان بوده است و در این باره پیامبر بزرگ اسلام نیز هدف اصلی رسالت خود را به کمال رساندن خلق های کریم و منش های بزرگوارانه معرفی کرده است.

مشکل عمده بسیاری از افراد این است که:

اولاً راه انجام وظایف اخلاقی و چگونگی اعمال احکام اخلاقی را به درستی نمی توانند تشخیص دهند. برای مثال کسانی که مبتلا به رذیله غیبت هستند بهتر از هر کس دیگر می دانند به چه بلایی گرفتارند، اما رهایی از این منجلاب را نمی دانند. کسانی که در آتش حسد و نفرت و کینه می سوزند با تمام وجود خود سوزندگی این آتش را احساس می کنند، اما راه نجات از این آتش ایمن سوز و آخرت بر باد داده را نمی دانند.

ثانیاً در موارد نزاحم و تعارض وظایف اخلاقی، نمی توانند تصمیم درستی بگیرند. برای نمونه همه ما می دانیم که احترام به پدر و مادر بسیار ضروری و لازم است و امر به معروف و نهی از منکر نیز از واجبات فقهی و اخلاقی است و از سویی بدگویی از مسلمانان کاری بسیار زشت و ناپسند است. حال اگر در مجلس بزرگ و محترمی باشیم که مثلاً پدر یا مادر ما از مسلمانان بدگویی می کند، در چنین شرایطی ممکن است به آسانی نتوانیم وظیفه اخلاقی خود را تشخیص دهیم. آیا باید جلوی غیبت و بدگویی را بگیریم یا باید به احترام پدر یا مادرمان در آن لحظه سکوت کنیم و مثلاً بعداً به آنان تذکر دهیم؟

تاریخچه اخلاق کاربردی

می توان گفت که از روزگاران قدیم گونه ای از اخلاق کاربردی مورد توجه برخی از عالمان مسلمان بوده است . در بسیاری از کتاب های اخلاقی ، ابواب خاصی را به بخش های مختلف اخلاق کاربردی اختصاص می دادند و می کوشیدند تا اصول فضایل و رذایل مربوط به آن حوزه را به صورت دقیق تبیین کنند و با توجه به آن اصول ، راه حل های اخلاقی مسائل خاص آن حوزه را مشخص نمایند . در کتاب های ارزشمند احیاء العلوم و المحججه البضیاء مباحثی مانند اخلاق دانش و دانشجویی ، اخلاق جنسی ، اخلاق معیشت ، اخلاق معاشرت ، اخلاق ممسافرت و امثال آن به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است.

فصل اول

اخلاق دانش اندوزی

اهمیت علم و علم آموزی

اهمیت علم و علم آموزی از دیدگاه به قدری روشن است که نیازی به توضیح ندارد . نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم نازل شد بهترین دلیل بر جایگاه ویژه تعلیم و تعلم در اسلام است : اقرا باسم ربک الذی خلق ، خلق الانسان من علق ، اقرا و ربک الاکرم ، الذی علم با القلم ، علم الانسان ما لم یعلم .

بر همین اساس پیامبر اکرم (ص) قتی دو گروه را درمسجد مشاهده کردند ، که گروهی مشغول عبادت بودند و گروهی مشغول مذاکره و مباحثه علمی ، رفتن به نزد گروه دوم را بر پیوستن به جمع عبادت کنندگان ترجیح داده و در توجیه این رفتار خود فرمودند : من برای تعلیم فرستاده شده ام .

قرآن کریم نیز به صراحت تعلیم را یکی از اهداف اساسی بر انگیختن پیامبر اکرم (ص) دانسته ، می فرماید :

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می خواند و آنان را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

پیامبر اکرم (ص) درباره ی برتری عالم بر عابد می فرماید :

برتری عالم بر عابد همچون برتری ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است .

همان حضرت در حدیث دیگری می فرماید :

به درستی که برتری عالم بر عابد همچون برتری خورشید بر سایر ستارگان است .

امام باقر (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که فرمود :

به درستی که برای آموزگار خوبی ها ، جنبندگان زمین و ماهیان دریا و جانداران فضا و همه آسمانیان و زمینیان طلب مغفرت می کنند و به درستی که یاد دهنده و یاد گیرنده دارای پاداشی یکسان اند روز قیامت همچون دو اسب مسابقه دوشادوش یکدیگر می آیند .

دانش اندوزی و پارسایی

در قرآن کریم تصریح شده است که ثمره پارسایی بهره مندی از فرقان و قدرت تشخیص حق از باطل است :: ان تتقوا الله يجعل لكم فرقاناً .

بی تردید متون دینی همه انسان ها حتی کافران و فاسقان را به دانش اندوزی و پیروی از دانش و پرهیز از پیروی گمان دعوت کرده و تعقل و تدبیر فراخوانده اند افسون بر این قرآن خود نیز در برابر حق گریزان عملاً به اقامه دلیل عقلی پرداخته است . سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) معصوم به خوبی نشان می دهد که آن بزرگواران نیز مخالفان خود را به بحث عقلی دعوت کرده در برابر آن از براهین عقلی مدد جسته اند .

انسان واقعی کسی است که درارضای معقول خواسته های همه قوای درونی اش بکوشد پس از اینکه می بینیم متون اسلامی در کنار دعوت به دانش اندوزی بر پارسایی و همزمان با تعلیم بر تزکیه زدودن زنگار گناه و وسوسه شیطان از دل نیز تاکید می ورزند به سبب آن است که تفکر آدمی را از بند اسارت شیاطین درونی و بیرونی آزاد سازند .

چون که تقوا بست دو دست هوا حق گشاید هر دو دست عقل را

موانع دستیابی به علم حقیقی ذهن آدمی گاه در اثر چینش نا درست مقدمات یا کوتاهی در انتخاب مواد یقین آور برای استدلال دچار خطا می شود و به نتیجه ای نادرست دست می یابد برای پرهیز از این گونه لغزش ها باید علم منطق و انواع مغالطات را به درستی آموخت و به درستی به کار گرفت .

پیروی از حدس و گمان

چون دست یابی به یقین و تشخیص واقعیت در همه امور روز مره زندگی کاری دشوار یا غیر ممکن است ، بیشتر آدمیان ، با توجه به غریزه راحت طلبی ، اساس زندگی خود را بر گمان بنا می کنند و با تکیه بر آن زندگی خویش ادامه می دهند . یکی از لغزش گاههای فهم و اندیشه درست آن است که انسان این عادت بد را به ساحت تفکر عقلانی و علمی نیز سرایت دهد و به جای پیروی از یقین به گمان و حدس بسنده کند .

تقلید کورکورانه

متأسفانه بسیاری از مردمان افسون بر مسائل فرعی و جزئی زندگی مانند نوع پوشش و وضعیت ظاهری خود، در اندیشه و نوع نگاه به مسائل کلی و حیاتی نیز از دیگران تقلید می کنند. در واقع ریشه تقلید در مسائل جزئی و فرعی و منشاء اصلی مد پرستی و مد گرایی خود باختگی فکری و تقلید در اندیشه و مسادل کلی است. و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید؛ می گویند نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند، باز هم در خور پیروی هستند.

زشتی و زندگی تقلید تنها در تقلید از پیشینیان خلاصه نمی شود؛ بلکه هر گونه دنباله روی کورکورانه از جمله پیروی از بزرگان و شخصیت های مشهور جامعه را نیز در بر می گیرد. اسلام یکایک انسان هارا دارای شخصیتی مستقل دانسته، فرد را مسئول می شناسد و تقلید کورکورانه از بزرگان جامعه را عامل گمراهی عده ای می شمارد:

پروردگارا ما روسا و بزرگ تران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند.

تمایلات نفسانی

هدف از تحصیلی علم این است که به میزان توان به حقیقت نایل شویم؛ اما دیدگان اندیشه زمانی می توانند به جمال حقیقت روشن شوند که گرد و غبار گرایش های نفسانی بر چهره آن نشسته باشد و از اسارت و بردگی وهم و خیال رهیده باشد:

حقیقت سرایی است آراسته	هوا و هوس گرد برخاسته
نبینی که هر جا برخاست گرد	نبیند نظر گرچه بیناست مرد

امیر مومنان (ع) در این باره می فرماید:

هر کس عاشق چیزی می شود، دیدگانش را کور گردانده و قلبش را رنجور. پس با چشم بیمار می نگرد و با گوشی که از شنیدن حقیقت ناشنواست، می شنود. خواهش های نفسانی پرده های عقلش را دریده و دوستی دنیا دلش را میرانده است.

و در جای دیگر می فرماید:

کسی که چیزی را دشمن بدارد، خوش ندارد بدان بنگرد یا نام آن نزد وی بر زبان رود.

و در حدیثی دیگر، طمع را موجب نا کار آمدی اندیشه دانسته و می فرماید:

آنجا که برق شمشیر طمع در فضای اندیشه بلند می شود ، بیشترین جایی است که عقل به زمین در می غلتد .
عجب و خود بزرگ بینی نشانه ضعف و سستی عقل است .
کسی که رأی و نظر خود را بزرگ پنداشت ، گمراه شد .

آداب اخلاقی آموختن

پیامبر گرامی اسلام در بخشی از توصیه بسیار ارزشمند خود به ابوذر غفاری چنین می فرماید :
ای ابوذر به درستی که بدترین مردمان در نزد خداوند در روز قیامت عالمی است که از علمش سودی نبرده
است و کسی که برای جلب توجه مردم به سوی خود به دنبال تحصیل علم باشد ، بوی بهشت را نخواهد چشید .
ای ابوذر ، بوی بهشت به مشام کسی که برای مردم فریبی در جستجوی علم باشد ، نخواهد رسید . ای ابوذر ،
هر گاه از تو چیزی پرسیدند که پاسخ آن را نمی دانستی ، پس بگو : نمیدانم و خود را از پیامد های آن نجات ده
و به چیزی که نمی دانی فتوا نده تا از عذاب خداوند در روز قیامت نجات یابی . ای ابوذر ، گروهی از بهشتیان ،
از گروهی از اهل جهنم آگاه می شوند و به آنها می گویند : چه چیزی شما را جهنمی کرد ، در حالی که ما به
برکت تربیت و تعلیم شما بهشتی شده ایم ؟ آنان در پاسخ می گویند : ما دیگران را به کارهای خیر فرمان می
دادیم و خود به آنها عمل نمی کردیم .

انگیزه الاهی (اخلاص)

پیامبر اکرم در حدیث بسیار مشهور و معتبری می فرماید :
هر کس خود را چهل روز برای خدا خالص کند ، چشمه های حکمت از قلب او بر زبانش جاری خواهد شد .
امام صادق (ع) فرمود : نیت برتر از عمل است ، آگاه باشید که نیت خود عمل است .
سپس در تائید این سخن آیه ای از قرآن را ذکر کردند که می فرماید : قُلْ كُلْ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ ؛ بگو همگان
بر اساس شاکله خود رفتار می کنند و شاکله را به نیت تعریف کردند .
به تعبیر دیگر نیت بیانگر یک رابطه حقیقی است و نه یک رابطه قراردادی . عمل بدون نیت ، در حقیقت یک
کالبد مرده است که با دل و روح انسان پیوند نمی یابد .
علم اندوزی در صورتی ارزشمند است و ما را به سعادت و کمال نهایی نزدیک می کند که هدف اصلی از تحصیل
آن ، قرب الهی باشد . در غیر این صورت تاثیری در سعادت واقعی انسان ندارد . حتی اگر هدف از تحصیل علم ،
کسب شهرت و ثروت و قدرت و امثال آن باشد . از نظر نظام اخلاقی اسلام هیچ ارزشی نخواهد داشت .

نشانه نیت الهی داشتن در تحصیل علم این است که به همان اندازه که علم و دانش افزایش می یابد ، ذلت درونی او در برابر خودش و تواضعش در برابر مردم و خوف و خشیتش در برابر خدای متعال و درکش نسبت به دین و حقایق الهی نیز افزایش می یابد .

انتخاب استاد شایسته

تاثیر استاد و نوع ارزش ها و جهان بینی و ایدئولوژی او در شاگردان بر کسی پوشیده نیست . تجربه نشان داده است شاگردان هر اندازه هم که مقاومت کنند ، نمی توانند از تاثیر گذاری آشکار و نهان استادان در روند زندگی خود مصون شوند .

اما استاد شایسته کیست و چه شرایطی دارد ؟

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی معلم و استاد شایسته را کسی می داند که شاگردان خود را :

۱- از تکبر به تواضع دعوت می کند ؛

۲- از حيله گری و چاپلوسی به خلوص و خیر خواهی فرا می خواند ؛

۳- از جهل به علم می کشاند،

استاد شایسته کسی است که با رفتار خود دانشجو را به کسب فضایل ترغیب و از آلودگی به رذایل اخلاقی دور کند . استادی است که دیدن او انسان را به یاد خدا می اندازد و سخن گفتنش بر علم دانشجو بیفزاید . مهمترین وظیفه دانشجویان تحصیل دانش های سودمند برای جامعه است . دانش هایی که در جهت رشد و پیشرفت فراگیر جامعه اسلامی باشد . بنابر این لازم است در کلاس درس و خارج از کلاس همواره در پی فهم مسائل ضروری و مفید برآیند و هرگز وقت خود را صرف مسائل غیر ضروری نکنند . مسائلی که دانستن آنها صرفاً بار اطلاعاتی آدمی را می افزاید و هیچ تاثیری در سعادت دنیوی و اخروی فرد و جامعه ندارد ، رهن عمر و اندیشه اند . امام علی (ع) در این باره به دانشجویان توصیه می کند که به دنبال فهم و حل مسائلی باشید که دانستن آنها لازم است و جهل در آنها پذیرفتنی نیست : سل عما لابد لک من علمه و لا تعذر فی جهله . و یا می فرماید :

دانش ها بیشتر از آن اند که تو بتوانی همه آنها را بیاموزی و بر آنها احاطه یابی ؛ پس باید گلچین کرده و از هر دانشی بهترین های آن را برگزینی .

خوب گوش دادن

جانور فربه شود از حلق و نوش

آدمی فربه شود از راه گوش

امام علی (ع) در این باره می فرماید :

زمانی که نزد دانشمندی نشستی ، پس بر شنیدن نسبت گفتن حرص تر باش و خوب گوش دادن را بیاموز همان گونه که خوب گفتن را می آموزی و سخن هیچ کس را قطع نکن

پرسش و پرسش گری

پرسش و پرسشگری اگر برای کشف حقیقت و فهم واقعیت باشد ، نه تنها از فضایل اخلاقی است ، که در پاره ای اوقات از نظر شرعی و فقهی نیز واجب است . کسی که مسائل شرعی خود را نمیداند ، یادگیری آنها بر او واجب است و اگر راه فهم حکمی در پرسش از کسی باشد ، پرسیدن واجب خواهد شد امام علی (ع) در پاسخ پرسشگری که برای اظهار فضل یا مچ گیری سوال کرد فرمود : برای دانستن بپرس نه برای آزردن ، که نادان آموزنده همانند داناست و دانای برون از راه انصاف ، همانند نادان پر چون و چراست .

دانشجویان نیز به این مسئله توجه کنند که نباید انتظار پاسخ به همه مسائل را از استاد داشته باشند . داشتن چنین انتظاری نابجا و نامعقول است .

در روایات آمده است اگر کسی نادانسته پرسش های دینی مردم را پاسخ دهد و از روی جهل فتوا صادر کند ، مورد لعن و نفرین همه فرشتگان خداوند است . حتی این کار ممکن است به انکار دین و کفر به خدا و آیات الاهی بیانجامد .

ضبط و نگارش مطالب

امام صادق (ع) نیز در این باره می فرماید :

دانش را بنگارید چرا که شما بدون نگارش نمی توانید آن را حفظ کنید .

کتاب های خود را نگهداری کنید ؛ چرا که در آینده به آنها نیاز خواهید داشت ..

تواضع در برابر استاد

سعی ناکرده در این راه به جایی نرسی مزد اگر می طلبی طاعت استاد بپر

امام زین العابدین (ع) در رساله حقوق در باره حقوق معلم و استاد می فرماید :

حق کسی که به تو علم می آموزد این است که او را بزرگ بداری و احترام مجلسش را نگهداری و به نیکویی به سخنانش گوش فرا دهی و به او رو آوری و در نزد او با صدای بلند سخن نگویی و اگر کسی از او سوالی پرسید ، در جواب دادن بر او پیشی نگیری و در محضر او با دیگران سخن نگویی و در نزد او از دیگران غیبت نکنی .

بعضاً مشاهده می شود که تواضع و احترام جای خود را به تبعیت و تقلید کورکورانه داده است ؛ به گونه ای که بزرگی یک اندیشمند در چشم شاگردانش به صورت خود آگاه یا نا خود آگاه ، موجب کم بینی شاگردان او شده است . تا جایی که جرئت و جسارت اندیشیدن را از آنان ستانده است .

تقسیم علم از این حیث ، به دینی و غیر دینی ، تقسیمی نادرست است . حقیقت آن است که همه دانش هایی که در خدمت اسلام و مسلمانان باشند و به رشد و پیشرفت علمی و دینی و فرهنگی جامعه اسلامی کمک کنند ، علوم دینی به شمار آمده و اسلام بر فراگیری آنها تاکید کرده است و در صورتی که به همین انگیزه تحصیل شده و تعلیم داده شوند ، دانشجویان و عالمان و اندیشمندان آنها نیز از همان احترام و قداستی برخوردارند که فقیهان و متکلمان و عارفان و عالمان اخلاق برخوردارند .

با وجود این ، آموختن برخی از دانش ها از واجبات عینی بوده و بر هر مسلمانی لازم است که پیش از هر دانش دیگری به آموختن آنها بپردازد . یکی از آن دانش ها خود شناسی است . خود شناسی مقدم بر همه دانش ها و معرفت های دیگر است .

روایات بسیاری در ارزشمندی خود شناسی وارد شده است . در اینجا به برخی از این روایات اشاره می کنیم :

((هیچ دانشی چون خود شناسی نیست))

((برترین دانش ها خد شناسی است))

((غایت دانش خود شناسی است))

((خود شناسی سودمند ترین دانش هاست))

فصل دوم

اهمیت و جایگاه اخلاق و پژوهش

پیامبر اکرم (ص) فرمود :

اگر مؤمنی پیش از مرگ ، برگه ای از علم از خود برجای گذاشته باشد ، همین یک برگ روز قیامت میان او و آتش جهنم مانع می شود و خداوند در ازای هر حرفی که بر آن برگه نوشته شده باشد ، شهری هفت برابر بزرگتر از وسعت کل دنیا ، به او عطا می کند .

فضای اخلاقی در پژوهش

۱-۲ تصحیح انگیزه و نیت

تحقیقات ما زمانی حقیقتاً معنادار و مفید به حال خودمان و جامعه خواهد بود که با انگیزه الهی و نیت درست صورت گیرد، وگرنه اگر به انگیزه ی شهرت و کسب ثروت و امثال آن باشد، هرچند ممکن است دنیای ما و دیگران را آباد کند، اما چون در راستای زندگی حقیقی ما نیست، فاقد ارزش حقیقی خواهد بود. البته روشن است که هر کاری را نمی توان به انگیزه ی الهی انجام داد. برای نمونه نمی توان با انگیزه ی الهی دست به سرقت و خیانت زد و یا با انگیزه ی الهی به خود یا دیگران ستم کرد.

توجه به نقش پیش فرض های ارزشی

یکی از مهم ترین موضوعات در تحقیق و پژوهش، تأثیر پیش فرض ها، فرهنگ، جامعه، ارزش ها و امثال آن در تحقیق است.

به تعبیر فنی تر، علم، به طور کلی، به ویژه علوم انسانی و اجتماعی، دارای بار ارزشی است؛ یعنی پژوهشگر نمی تواند فارغ از نظام ارزشی مورد قبولش دست به تحقیق بزند. هیچ پژوهشی در خلأ رخ نمی دهد، و شخصیت پژوهشگر و نظام حاکم بر جهان بینی و ایدئولوژی شخص در فرایند تحقیق او فعالانه ایفای نقش می کنند.

۲-۳- آشنایی با پیشینه پژوهش

در هر تحقیقی، اگر می خواهیم دست به نوآوری بزنیم و افق های تازه تری را ببینیم، یابد با پژوهش های پیشینیان در آن موضوع آشنا شویم؛ وگرنه به احتمال بسیار، پس از سال ها تحقیق دوباره به همان نقطه ای خواهیم رسید که ممکن است سال ها و بلکه قرن ها پیش، دیگران رسیده بودند.

هر اندازه که بر دامنه ی مطالعات خود بیفزاییم، به همان میزان نیز بر دقت های علمی ما در انتخاب مسئله افزوده خواهد شد؛ چرا که انسان بی دغدغه و انسان بی مطالعه و ناآگاه مشکلی را بر سر راه خود نمی بیند تا در اندیشه حل آن برآید.

هم سوال از علم خیزد هم جواب همچنان که خار و گل از خاک و آب

مسئله ما باید به گونه ای باشد که مشکلی از مشکلات علمی یا عملی جامعه بر طرف سازد و در عین حال، لازم است که مورد علاقه ی پژوهشگر نیز باشد تا بتواند در برابر مشکلات و موانع احتمالی مقاومت کند.

شهامت در پژوهش

بسیاری از افراد، تا زمانی که اقدام به پژوهش نکرده و صرفاً در مرحله ی طرح و برنامه هستند، تصور درستی از پژوهش خود ندارند. از طرفی، امکانات و توانمندی های خود را کوچک و ناچیز تلقی

می کنند و از طرف دیگر ، مشکلات و موانع احتمالی کوچک را بزرگ جلوه می دهند و به همین دلیل ، یا اصلاً اقدام به انجام کار نمی کنند و یا با احتیاط بیش از اندازه شروع به کار می کنند .
امام علی (ع) در این باره می فرماید :

چون از کاری ترسیدی خود را در آن بیفکن ؛ زیرا سختی حذر کردن بزرگ تر است از آنچه از آن ترس داری .

امانت داری

خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانشان بدهید .
مومنان رستگار کسانی اند که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند .
امانت داری در پژوهش و تألیف نیز ، رکن مهمی از حیات علمی و تحقیقی یک جامعه را تشکیل می دهد . هر نویسنده ای اخلاقاً موظف است منبع هر مطلبی را که از هرکسی نقل می کند ، حتی اگر نقل به معنا باشد ، دقیقاً ذکر کند .

حقیقت جویی در پژوهش

زمانی به ارسطو اعتراض شد که چرا حرمت استاد خود ، افلاطون را نگه نداشته و دیدگاه های او را به نقد کشانده و در رد آنها سخن می گوید . ارسطو در پاسخ ، سخنی بسیار ارزشمند و جاودان گفت :
((افلاطون را دوست دارم ؛ اما به حقیقت ، بیش از افلاطون علاقه دارم))
آنچه مهم است و وظیفه ی اخلاقی پژوهشگر به شمار می آید ، حقیقت طلبی و حقیقت جویی در پژوهش است . پژوهشگر باید همه ی هم و غم خود را کشف حقیقت بداند و هرگز از مشکلاتی که ممکن است دیگران برای او پیش آورند ، نهراسد .

نشاط در حقیقت

یکی از مسائل مهم ، در امر تحقیق ، نشاط و شادابی محقق در کار خود است . محقق توانا و موفق کسی است که با شوق و ذوق و نشاط در پی حل مسئله خود باشد و هرگز خستگی و کسالت به خود راه ندهد . به تعبیر شهید مطهری : ((انسان باید به کارش عشق داشته باشد ... آن وقت است که شاهکارها به وجود می آورد که شاهکار ساخته ی عشق است ، نه پول و درآمد . با پول می شود کار ایجاد کرد ولی با پول نمی شود شاهکار ایجاد کرد .))

یکی از عوامل بی انگیزگی و سستی در تحقیق این است که اهمیت کار برای محقق روشن نشده است . کسی که دست به تحقیقی می زند و پس از مدتی دچار کسالت و سستی می شود ، به این معناست که یا علاقه ی دورنی و واقعی به آن موضوع نداشته و صرفاً به خاطر درآمد یا شهرت یا مسائل دیگری دست به آن تحقیق زده است .

پژوهش گروهی

کارهای گروهی و جمعی ، نسبت به کارهای فردی ، از هر جهت بهتر و مفیدترند .

امیرالمؤمنان (ع) در این باره می فرماید :

بهترین آرا و اندیشه ها ، از آن کسانی است که از مشورت با دیگران خود را بی نیاز نبینند .

عقل با عقل دگر دو تا شود نور افزون گشت و ره پیدا شود

آسیب شناسی اخلاقی پژوهش

شهرت زدگی

پژوهشگر و محقق واقعی باید بکوشد در تحقیقات خود ، در دام بزرگ و بسیار خطرناک شهرت زدگی گرفتار نیابد . مشهور بودن یک رأی و عقیده ، هرگز به معنای درست بودن آن نیست و ((اکثریت)) هرگز مساوی با ((حقانیت)) نبوده و نیست و پژوهشگر اخلاقاً مجاز نیست یک رأی را به صرف کثرت طرفداران آن ، یا شهرتش ، بپذیرد یا آن را مبنایی برای تحقیقات قرار دهد .

شتاب زدگی

کمترین آفت شتاب زدگی این است که مانع درک درست موضوع می شود . محقق شتاب زده نمی تواند در اطراف همه ی جوانب موضوع پژوهش خود فکر کند . صبر و بردباری رکن مهم پژوهش است . در روایتی آمده است : کسی می تواند به حقیقت دانش دست یابد که تداوم و بردباری در دانش اندوزی داشته باشد .

دخالت دادن خواسته های شخصی

پژوهشگر منصف کسی است که اصل بی طرفی را در تحقیق مورد توجه قرار دهد . او هرگز نباید دیدگاه ها ، خواسته ها و اغراض شخصی یا صنفی خود را بر موضوع تحقیق تحمیل کند . محقق راستین ، کسی است که خود را تابع حاصل تحقیق بداند و نه حاصل تحقیق را تابع خودش . نهی از تفسیر به رأی در قرآن ، از همی جا ناشی شده است . کسی که باورها و پیش فرض های از پیش طراحی شده به سراغ قرآن می رود ، در حقیقت نمی خواهد مراد خداوند و منظور واقعی قرآن را دریابد ، بلکه می خواهد قرآن را در خدمت اهداف و آرای خود در آورد .

انتحال

یکی دیگر از آفات بزرگ اخلاقی پژوهشی و تألیف ، سرقت ادبی یا انتحال است که متأسفانه در مراکز علمی کشور ما ، به معضل تبدیل شده است . انتحال به دو معنای مختلف و البته نزدیک به هم به کار رفته است . معنای شایع و رایج آن ، همان چیزی است که امروزه از آن با عنوان ((سرقت ادبی)) نام برده می شود . معنای دیگری که برای واژه انتحال آورده اند ، عبارت است از ((خود را به مذهبی بستن ، خود را به مذهبی یا به قبیله ای منسوب ساختن ، خویشتن را به کسی باز خواندن)) متأسفانه گاه دیده می شود برخی از افراد یا مکاتب فکری ، برای تقویت فکر خود و یا نشان دادن سابقه تاریخی آن ، کسانی را به مکتب فکری خود منسوب می کنند که هیچ نسبتی با آنان نداشته و اصولاً دارای مبانی فکری متفاوتی بوده اند .

فصل سوم

اخلاق نقد

اهمیت و جایگاه

جامعه مورد پسند اسلام و قرآن ، جامعه ای است که در آن علم و عالمان ارزش و منزلتی بی بدیل داشته باشند و اندیشمندان و مبتکران و مخترعان و قهرمانان فکری و فرهنگی آن دارای ارج و ارزشی بسیار والا باشند . اخلاق ، حاکم بر آزادی است و آزادی در صورتی عاقلانه و ثمربخش خواهد بود که در چهارچوبه ی اخلاق باشد . بنابراین ، هر چند رواج گفتگوهای علمی و آزادی در طرح اندیشه می تواند به عنوان یکی از نشانه ها و علائم برجسته ی رشد و پویایی علمی یک جامعه تلقی شود ، اما هرگز نمی توان به صرف طرح گسترده ی نظریات علمی و رواج بازار نقد و نقادی در جامعه ، سلامت علمی جامعه را نتیجه گرفت .

معناشناسی نقد

در مقابل برخی دیگر بر این باورند که نقد و انتقاد ، صرفاً یا دست کم در معنای رایج و شایع آن به معنای عیب جویی و خرده گیری است . نقد و انتقاد به معنای ((ارزیابی منصفانه ی یک چیز)) است و برای این ارزیابی ، در بسیاری از موارد لازم است در کنار بیان نقاط ضعف ، نقاط قوت را نیز یادآور شد . نقد در اصطلاح ((واری و بررسی نوشتار (گفتار یا رفتاری) برای شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی ، بایستگی و نبایستگی ، بوده ها و نبوده ها و درستی و نادرستی آن است))

ضرورت نقد

امام صادق (ع) در حدیث مشهوری می فرمایند :

بهترین دوستان در نزد من کسانی اند که عیوب و نواقص من را به من هدیه دهند .

امام علی (ع) فرموده اند :

کسی که عیب تو را به تو بنمایاند ، تو را خیرخواهی کرده است .

از امام حسین (ع) نقل است که فرمود :

کسی که تو را دوست بدارد ، تو را از انجام زشتی ها و بدی ها نهی می کند و کسی که تو را دشمن بدارد ، تو را

می فریبد یعنی با عدم تذکر زشتی ها و کارهای ناپسند تو ، موجب فریب و گمراهی ات می شود .

و باز علی (ع) فرموده اند :

کسی که عیوب و کاستی های تو را پنهان کند و به منظور اصلاح ، آنها را به تو تذکر ندهد دشمن توست .

شرایط اخلاقی نقد

فهم سخن و تبحر در موضوع

علی (ع) در نامه ی خود به فرزندش چنین می فرماید :

پس اگر دانستن چیزی ... بر تو دشوار گردد ، آن دشواری را از نادانی خود به حساب آر ! چه تو نخست که

آفریده شدی نادان بودی سپس دانا گردیدی ؛ و چه بسیار است آنچه نمی دانی و در حکم آن سرگردانی ، و

بینشت در آن راه نمی یابد ، سپس آن را نیک می بینی و می دانی .

اگر در نقد ، به ویژه نقدهای علمی ، نقد کننده در پی بیان درستی ها و نادرستی های یک اندیشه است ، طبیعتاً

نخستین شرایط این کار ، آن است که آن سخن را به درستی فهمیده باشد نقد بدون فهم و رد بدون درک ،

نشانه ی گستاخی جاهلانه و حق ناشناسی نقاد است .

البته کسی که اندیشه ، گفتار یا کردار او مورد نقادی قرار می گیرد ، نباید فوراً ناقد را به عدم فهم مطالب خود

متهم کند .

کنار نهادن حب و بغض

یکی از مهم ترین موضوعاتی که رعایت آن شرط اصلی فهم سخن گوینده یا نویسنده و همچنین شرط اصلی

درک حقیقت یک گفتار یا رفتار است ، کنار نهادن حب و بغض هاست . تأثیر حب و بغض تا آنجاست که می

تواند هنر را عیب و عیب را هنر جلوه دهد .

پرهیز از نقد متقابل

آینه چون نقش تو بنمود راست خودشکن ، آینه شکستن خطا است

یکی دیگر از آفت های اخلاقی بزرگ در عرصه ی نقد و نقادی این است که بسیاری از افراد در پاسخ نقدهای ناقدان ، بدون آنکه به پاسخگویی نقدها بپردازند ، به بررسی آثار ناقد و مطالعه ی سرگذشت و تاریخ زندگی ناقد پرداخته ، می کوشند به گونه ایی از لابلای اندیشه ها و اعمال خودش بی عملی ها و نادرستی هایی را استخراج کنند .

عمل نکردن ناقد به سخنان خودش دلیل بی اعتباری و نادرستی نقد او نمی شود . تنها ثمره و پیامد نقد متقابل ، محروم کردن خود از هدایت ها و نصایح دیگران است .

نقد انگیزخته به جای انگیزه : به گفته بنگر نه به گوینده

یکی دیگر از بزرگترین آفت های اخلاقی در عرصه ی نقد ، خلط انگیزه و انگیزخته است کسی که مورد نقد قرار می گیرد ، به جای پرداختن به پاسخ نقدهای ناقد ، به کالبدشکافی نیت و انگیزه ی او اقدام می کند . امیرمومنان به ما توصیه می کند که :

حکمت را از هر کسی که آن را بیان می کند ، بگیر ؛ و به گفته بنگر و به گوینده منگر . حکمت گمشده مومن است پس آن را فراگیر هر چند از منافقان باشد .

تفکیک اندیشه و رفتار از فرد

هم ناقد و هم کسی که مورد انتقاد قرار می گیرد باید به این مهم توجه داشته باشند که نقد را از ساحت نقد اندیشه و کردار ، به نقد صاحب اندیشه و کردار نکشانند .

کسی که اندیشه ای را نقد می کند یا ناراستی های یک رفتار را نشان می دهد ، می خواهد بیزاری خود را از ناراستی و نادرستی اعلام کند و نه از فردی که مورد نقد قرار گرفته است .

لزوم بردباری و نقدپذیری

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست ؛ بدی را با نیکی دفع کن ، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است ، گویی دوستی گرم و صمیمی است .

از خدا جوییم توفیق ادب بی ادب محروم گشت از لطف رب

بی ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش در همه آفاق زد

پنجمین امام شیعیان ، محمد بن علی بن الحسین ، ملقب به ((باقر)) به معنای شکافنده ، است و به آن حضرت ، به دلیل دانش فراوانشان ، ((باقرالعلوم)) یعنی شکافنده دانش ها ، لقب داده اند . شخصی فریب

خورده برای استهزای آن حضرت ، کلمه ((باقر)) را به ((بقر)) تصحیف کرد و به آن حضرت گفت: ((انت بقر)) امام بدون آنکه آزرده شود و اظهار عصبانیت کند و یا مقابله به مثل نماید ، با کمال سادگی پاسخ داد : ((نه ، من بقر نیستم ، من باقرم)) .

آن شخص ادامه داد و گفت : تو پسر زنی هستی که آشپز بود .

شغلش این بود ، عار و ننگی محسوب نمی شود .

مادرت سیاه و بی شرم و بدزبان بود .

اگر این نسبت ها که به مادرم می دهی راست است ، خداوند او را بیمارزد و از گناهش بگذرد ، و اگر دروغ است از گناه تو بگذرد که دروغ گفتمی و افترا بستی .

پرهیز از برچسب زدن

یکی از شیوه های نادرست و خلاف اخلاق در نقد ، بر چسب زدن و انگ زدن به صاحبان اندیشه و یا به ناقدان است . افراد به جای نقد اندیشه ها و بیان نقاط ضعیف دلایل و مستندات یک فکر و یا بیان ناراستی های یک عمل ، با انتساب های غالباً نادرست افکار و اندیشه ها به افراد و مکاتب منفور و مطرود جامعه ، به خیال خود آن فکر را ابطال و آن اندیشه را از میدان به در کرده اند . بر چسب هایی از قبیل ارتجاعی ، قشری ، غربی ، غرب زده ، علم زده ، عوام زده ، لیبرال ، فاشیست ، مستبد ، انحصار طلب ، ملی گرا ، کهنه گرا ، ارسطویی ، قرون وسطایی و امثال آن ، که اغلب برای تحقیر منتقد یا شخص و گروه مورد انتقاد کراراً از سوی افراد مختلف در نقد دیگران و یا در پاسخ به نقدها به کار می رود .

قرون وسطایی بودن یک اندیشه ، هرگز مستلزم نادرستی یا درستی آن نیست ؛ همان گونه که نو بودن یک فکر ، مستلزم درستی یا نادرستی آن نیست .

آغاز کردن از خود

ای کسانی که ایمان آورده اید چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید ؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید .

پیامبر اکرم (ع) می فرمایند :

خوشا به حال کسی که عیوب خودش او را از عیب گویی دیگران باز داشته است .

امام علی (ع) فرموده اند :

بزرگترین عیب آن است که چیزی را زشت انگاری که خود به همانند آن گرفتاری

از امام صادق (ع) نقل است که فرمود :

سودمندترین چیز برای انسان این است که به عیب خویش بر مردم پیشی گیرد .

فصل چهارم

اخلاق معیشت

کارکردن و داشتن شغلی آبرومند ، نه تنها وسیله ای برای امرار معاش و تأمین مایحتاج مادی زندگی است ، بلکه از عوامل بسیار مهم در احساس شخصیت ، عزت ، استقلال و اعتماد به نفس است . به علاوه ، کار یک وظیفه و مسئولیت اجتماعی هم هست . یعنی حتی اگر ما شخصاً هیچ احتیاجی نداشته باشیم ، بازهم وظیفه ی اجتماعی و مسئولیت اخلاقی ما اقتضا می کند که بیکار نمائیم . اسلام عزیز ، پاداش کسانی را که در راه تأمین معاش خود و خانواده شان تلاش می کنند ؛ همسنگ پاداش مجاهدان و رزمندگان راه خدا و بلکه بالاتر از اجر آنان قرار داده است . پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می فرماید : عبادت و پرستش خداوند هفتاد جزء دارد که بالاترین و برترین جزء آن ، مطلب روزی حلال است . امام باقر (ع) درباره کار می فرماید :

کسی که برای بی نیازی از مردم و رفاه خانواده و کمک به همسایگانش در طلب روزی حلال باشد ، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می کند که چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشد . نتیجه آنکه اسلام هرگز کارکردن و تلاش برای تأمین معاش را جدای از عبادت و پرستش نمی داند . پیامبر اعظم (ص) زمانی که از جنگ تبوک به مدینه بازگشت ، سعد انصاری که نتوانسته بود همراه پیامبر به جنگ برود ، به استقبال آن حضرت آمد . وقتی پیامبر ، دستان خشک و خشن و ترکیده او را دید ، از او پرسید : ((صدمه ای به دستانت رسیده است ؟)) سعد در پاسخ گفت : ((برای تأمین مخارج اهل و عیالم با طناب و بیل کار می کنم)) پیامبر بر دستان او بوسه زد و فرمود : ((این دستی است که در آتش جهنم نمی سوزد)) پیامبر گرامی اسلام می فرماید : کسی که بار زندگی خود را بر دوش مردم بیاندازد ملعون است . امام باقر (ع) می فرماید :

حضرت موسی از خداوند سوال کرد : خدایا مبعوض ترین بندگان در نزد تو چه کسانی هستند ؟ خداوند در پاسخ فرمود : کسانی که شب تا صبح همچون جسد مرده ای می خوابند و روز خود را به بطالت و بیکاری می گذرانند .

کار در سیره اولیای دین

شخصی به نام محمد بن منکدر می گوید : در روزی گرم به بیرون از مدینه رفتم . محمدبن علی (امام باقر (ع) را دیدم که با دو غلام سیاه مشغول کار کردن بود . از مشاهده ی این وضعیت که کسی در طلب دنیا اینگونه به

خود سختی بدهد ، ناراحت شدم و با خود گفتم که باید او را موعظه کنم . به او نزدیک شدم . سلام کردم . در حالی که از شدت خستگی نفس می زد و عرق از سر و رویش می ریخت پاسخم را داد . به او گفتم : ((آیا هیچ فکر کرده ای که اگر در این حالت مرگ تو فرا رسد ، پاسخ خدا را چگونه خواهی داد ؟)) امام باقر (ع) در پاسخ فرمود : ((اگر در این حالت مرگ من فرا رسد ، در حقیقت ، در حالتی مرگ من فرا رسیده است که مشغول پرستش خداوند هستم . من با این عبادت ، خودم و عیالم را از تو و دیگران بی نیاز می کنم . در صورتی باید از فرا رسیدن مرگ می ترسیدم که در حال معصیت و نافرمانی خداوند مرگ من فرا برسد))

نقش نیت در ارزشمندی کار

اگر انگیزه افراد در کار ، انگیزه ای الهی و خدایی باشد ، کار آنان از ارزش اخلاقی برخوردار خواهد بود ، وگرنه دارای ارزش معنوی و اخروی نخواهد بود .

شخصی با حالتی نگران به محضر امام صادق (ع) آمد و وضعیت روحی و روانی خود را برای آن حضرت به این صورت شرح داد : ((من دنیا و مال دنیا را دوست دارم و مایلیم به آن دست یابم و هرچه بیشتر از دنیا بهره مند شوم)) امام هدف او را از جمع مال و کسب ثروت جویا شدند . آن شخص در پاسخ عرض کرد : ((هدفم این است که خودم و عیالم در رفاه و خوشبختی باشیم و با آن صله ی رحم را به جا آورم و به تهیدستان صدقه بدهم و حج و عمره به جا آورم)) امام فرمودند : ((این طلب دنیا نیست ؛ بلکه طلب آخرت است .))

رابطه ی اخلاق و معیشت

در روایات متعددی اخلاق نیکو به عنوان یکی از عوامل گشایش در رزق و روزی و اخلاق بد به عنوان یکی از عوامل تندگدستی و فقر معرفی شده است . پیامبر اکرم در سفارش خود به صحابی گرانقدرش ، ابوذر غفاری ، به این مطلب اشاره کرده و می فرماید :

ای ابوذر ، به درستی که انسان گاهی به دلیل انجام گناه ، از روزی خود محروم می شود .
در روایت دیگری ، چنین می خوانیم :

گنج های رزق در اخلاق خوب نهفته است .
اخلاق نیکو ، موجب زیادت در روزی می شود .

اولاً ، باید توجه داشت که ((رزق)) در اینجا معنایی عام و گسترده دارد ؛ یعنی منحصر در رزق متعارف از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن و مرکب امثال آن نیست ؛ بلکه شامل رزق های معنوی و اخروی نیز می شود .

ثانیاً ، در جای خود به اثبات رسیده است که ، در این جهان هیچ پدیده ای بدون علت رخ نمی دهد. بنابراین مصیبت ها و محرومیت ها و گرفتاری ها نیز بدون علت نیستند . اما این را هم می دانیم که خداوند خیر محض است و جز اراده ی خیر از او سر نمی زند ، پس علت مصیبت ها و گرفتاری ها را باید در جایی دیگر جستجو کرد قرآن کریم ، در آیات متعدد و به بیان متنوعی ، این حقیقت را تأکید کرده است که علت اصلی محرومیت های انسان ، اعمال و رفتارهای ناشایست خود اوست .

هر مصیبتی به شما رسد به سبب دستاورد خود شما است و خدا بسیاری را نیز عفو می کند . و اگر اهل شهرها و آبادی ها ، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند ، برکات آسمان ها و زمین را بر آنها می گشودیم ؛ ولی آنها حق را تکذیب کردند ؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. و هرکس تقوای الهی پیشه کند ، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می رساند ، و هرکس بر خدا توکل کند کفایت امرش را می کند خداوند فرمان خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است .

نقش کار در تربیت و بهداشت روانی

یکی از مهم ترین عوامل سازنده ی شخصیت انسان ، کار است .
امیرالمؤمنان (ع) در سخنی بسیار حکیمانه می فرماید :
اگر تو نفس خود را به کاری مشغول نسازی او تو را مشغول خواهد کرد .
نفس انسانی و به ویژه قوه ی خیال آدمی به گونه ای است که اگر بیکار باشد ، انسان را به تباهی و فساد خواهد کشاند . اما کار و فعالیت موجب می شود که قوه ی خیال چندان مجالی برای به انحراف کشاندن انسان نیابد .
اصولاً یکی از مهم ترین علل ارتکاب گناه ، بیکاری است . انرژی های انسان بالاخره باید به گونه ای مصرف شوند .

کار و احساس شخصیت

درخواست کمک مالی از مردم و سربار دیگران بودن ، به دلیل آفات اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی فراوانی که دارد ، به شدت مورد مذمت و نکوهش اسلام و اولیای اسلام قرار گرفته است
زراره ، از یاران بزرگ امام صادق (ع) می گوید :

شخصی به محضر امام صادق (ع) آمد و عرض کرد : ((من مردی فقیر و تنگدست هستم که نه می توانم کار دستی انجام دهم و نه فن تجارت را می دانم)) امام صادق (ع) در پاسخ او فرمود : ((کارکن؛ با سرت باربری کن و خود را از مردم بی نیاز گردان .))

بنابراین هرگز نباید به خردی کار نگاه کرد . بله ، اگر بتوانیم کاری مطابق میل خود و متناسب با موقعیت اجتماعی و وضعیت خانوادگی خود داشته باشیم ، بسیار خوب ؛ اما پیدا نکردن شغلی مطابق میل خود ، هرگز مجوز بیکاری و پذیرش خواری در خواست از دیگران نیست .

برخی از عالمان بزرگ اخلاق تصریح کرده اند که در خواست مالی از دیگران ، در شرایط عادی و برای کسی که وضعیت او به حد اضطرار نرسیده ، حرام است .

فصل پنجم

اهمیت و جایگاه اخلاق معاشرت

نخستین گروهی که هر کسی با آن روبرو می شود خانواده است ، یعنی والدین و برادران و خواهران و سایر اقوام نزدیک . البته ارتباط انسان با خانواده و احتیاج او به آنان امری مدام و پایدار است و در اغلب موارد ، تا آخرین ساعات زندگی نیز ادامه دارد . در مراحل بعد ، همسالان و همسایگان و دوستان هستند که در شکل گیری شخصیت آدمی تأثیر فراوان دارند و سپس تعامل انسان با اجتماع های بزرگ تری چون شهروندان و جامعه جهانی است که در تکون شخصیت اجتماعی ، اخلاقی و سیاسی او تأثیری انکارپذیر دارد.

توسعه اخلاق الهی و بهره مندی از فضایل اخلاقی و پیشرفت در جهت تهذیب و تربیت نفس از جمله مهم ترین اهداف معاشرت با دیگران است. بنابراین ، اگر در جایی معاشرت با دیگران مستلزم کشیده شدن انسان به گناه و معصیت و انحراف از مسیر هدایت و سعادت باشد ، روشن است که چنین معاشرتی خلاف مقصود است و باید از آن پرهیز کرد . در مقابل ، اگر معاشرت با کسی موجب تقرب انسان به خداوند و تقویت ایمان و بنیه های دینی انسان شود ، باید در حفظ و توسعه ی آن به شدت کوشا بود .

پیامبر اکرم (ص) به ابوذر غفاری فرمودند :

ای ابوذر ، همنشین صالح بهتر از تنهایی ، و انزواست و تنهایی بهتر از همنشین ناصالح است .

اهتمام به امور مردم

توصیه اکید اسلام این است که هر مسلمانی همواره باید دغدغه سایر انسان ها را داشته و نسبت به خدایت و ارشاد آنان احساس مسئولیت کند . این توصیه تنها مختص به همکیشان و هم مسلکان او نیست . هر جایی که ظلمی را مشاهده می کند باید در حد توان خود در برابر آن بایستد و هرگز کوتاه نیاید . از سفارش های

امیرمؤمنان به فرزندان، در ساعات آخر عمر شریفشان ایت است که: "کونا للظالم خصماً وللمظلوم عوناً؛ با ستمگار در پیکار باشید و ستمدیده را یار."

مسلمان هرگز نباید در برابر زشتی‌ها و حق‌کشی‌ها، هرچند نسبت به غیرمسلمان، آرام بنشیند، به تعبیر زیبای سعدی:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

مردمان همگی عیال خداوندند، پس محبوب‌ترین افراد در نزد خداوند، نیکوترینشان نسبت به عیال خداوند است.

از رسول گرامی اسلام (ص) نقل است که اگر کسی به صورت روزانه دغدغه‌ی مسلمانان و مسائل و مشکلات آنان را نداشته باشد، جزء جامعه اسلامی و در زمره مسلمانان نیست:

کسی که صبح کند و به امور مسلمان اهتمام نرزد، مسلمان نیست (آیا از مسلمانان نیست)

رفع نیاز از مسلمان و برآورده ساختن حاجت او، نه تنها اجر و پاداشی بالاتر و برتر از بیست حج که هر کدام همراه با انفاق هزاران دینار در راه خدا باشد دارد؛ بلکه از جمله‌ی محبوب‌ترین کارها در نزد خداوند است. امام علی بن موسی الرضا (ع) در این باره می‌فرماید:

خداوند را در روی زمینی بندگانی است که در برآورده ساختن نیازهای مردم تلاش می‌کنند. اینان روز قیامت در امان اند؛ هرکسی که مونی را شاد سازد، خداوند در روز قیامت دل او را شاد می‌کند.

اصلاح میان مردم

پس از، (مخالف فرمان) خدا بپرهیزید؛ و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید، و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید؛ اگر ایمان دارید.

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوی الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

امیرمؤمنان، در وصیتنامه‌ی خود به امام حسن و امام حسین (ع) و سایر فرزندان خود و همه شیعیان چنین سفارش می‌کنند:

شما و همه فرزندانم و کسانم و آن را که نامه‌ی منت بدو رسد، سفارش می‌کنم به ترس از خدا و آراستن کارها و آشتی دادن یکدیگر، که من از جدّ شما شنیدم که می‌گفت: ((آشتی دادن میان مردمان بهتر است از نماز و روزه سالیان)).

نظارت اجتماعی : امر به معروف و نهی از منکر

گفتنی است با توجه به آیات قرآن ، دانسته می شود که ((امر به معروف)) و ((نهی از منکر)) در ادیان دیگر نیز وجود داشته است. قرآن کریم ، از زبان حضرت لقمان خطاب به فرزندانش می فرماید :

پسرم ! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است .

علی بن ابطالب (ع) درباره جایگاه ویژه امر به معروف و نهی از منکر در میان سایر احکام و دستورات دینی می فرماید :

و همه کارهای نیک و جهاددر راه خدا ، برابر امر به معروف و نهی از منکر ، چون قطره ای است در برابر دریای موج پهناور و برتر از همه ی اینها سخن عدلی است که پیش روی حاکمی ستمکار گویند .

پیامبر رحمت (ص) فرموده اند : ((خداوند نسبت به مومن ضعیفی که دین ندارد ، خشمگین است))

از آن حضرت پرسیده شد : ((منظور از مومن ضعیفی که دین ندارد کیست ؟ در پاسخ فرمود : کسی که نهی از منکر نمی کند))

وظیفه ای عمومی

امر به معروف و نهی از منکر ، بر خلاف برخی دیگر از احکام دینی و اخلاقی ، وظایفی عام هستند این دو وظیفه ی اخلاقی از جهات مختلف عمومیت دارند توضیح آنکه :

اولاً همه مسلمانان از زن و مرد و کوچک و بزرگ ، مشمول این حکم هستند .

ثانیاً ، این حکم در همه ی زمان ها قابل اجراست . توضیح آنکه با توجه به مراتب و مراحل مختلفی که امر به معروف و نهی از منکر دارد ، یعنی مرحله قلبی ، گفتاری و عملی روشن است که هیچ قدرتی در هیچ زمانی نمی تواند از امر به معروف و نهی از منکر قلبی جلوگیری کند .

ثالثاً ، نسبت به همه ی افراد نیز قابل اجراست .

زنی از طبقه ی اشراف مدینه ، دست به دزدی زده بود ، پیامبر اکرم (ص) دستور اجرای حکم اسلامی را مبنی بر قطع انگشتان دست او صادر کردند . برخی از بزرگان قریش جمع شده به محضر ایشان رفته و شگفتی خود را از این رفتار پیامبر که چگونه می خواهد دست یکی از زنان صاحب نفوذ و اشرافی را قطع کند ابراز داشتند ؟!

حضرت در پاسخ فرمودند : عامل تباهی و انحطاط اقوام گذشته همین بود که احکام اجتماعی و قوانین الهی را فقط در حق ضعیفان و قشر فرودست جامعه اجرا می کردند ، اما هنگامی که نوبت اقشار فرادست می رسید ، از اجرای دستور الهی خود داری می کردند .

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مهم‌ترین و روشن‌ترین شرایط امر به معروف و نهی از منکر ((شناخت معروف و منکر)) است . کسی که معروف و منکر را نشناسد نمی‌تواند به معروف امر و از منکر نهی نماید .

دومین شرط امر به معروف و نهی از منکر ((احتمال تأثیر)) است .

یکی دیگر از شرایط امر به معروف و نهی از منکر ، اصرار بر انجام منکرات و نادیده گرفتن معروف هاست . بنابراین اگر فرد یا سازمانی خودش متوجه خطا و اشتباه خویش شده و در صدد اصلاح برآمده است ، در این صورت جایی برای امر به معروف و نهی از منکر باقی نمی‌ماند .

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر ، سه مرتبه و مرحله ذکر شده است : مرتبه ی قلبی ، زبانی و عملی . امیرمومنان درباره این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر سرگذشت قوم ثمود را بازگو کرده و می‌فرماید :

مردم ! خشنودی و خشم (از چیزی) همگان را (در پیامد آن) شریک سازد (و کیفر پاداش آنچه بدان راضی شده اند به آنان بپردازند) چنان که ماده شتر ثمود را یک تن پی نمود و خدا همه ی آنان را عذاب فرمود ، چرا (که گرد اعتراض نگردیدند و) همگی آن کار را پسندیدند .

منظور از ((مرتبه زبانی)) این است که به هنگام مشاهده منکر ، صرفاً نباید به ناخشنودی قلبی و دورنی بسنده شود ، بلکه باید این ناخشنودی خود را به زبان نیز آورده ، اعتراض خود را به گوش فرد برسانیم .

برای امر به معروف و نهی از منکر باید دست به عمل بزنیم یعنی اگر مراتب و مراحل قبلی ناکافی و ناکارآمد بود ، باید دست به اقدام زده ، عملاً برای برچیده شدن منکر و تحقق معروف وارد میدان شویم .

آسیب شناسی معاشرت با دیگران

دخالت در امور خصوصی

کسانی که به حریم خصوصی افراد تجاوز کرده و نهانخانه ی ذهن و زندگی آنان را افشا می‌کنند ، باید بدانند که خود مرتکب منکری بزرگ شده اند . اسلام نه تنها به ما اجازه ی این کار را نداده ، بلکه توصیه های فراوانی به پرده پوشی کرده است .

تنها استثنا در این مورد ، بازرسی از سازمان ها و نظارت بر ارگان های دولتی است . علی (ع) در توصیه خود به مالک اشتر ، درباره کارکنان و مدیران می‌گوید :

بر کارهای آنان مراقبت دار و جاسوسی راستگو و وفا پیشه بر ایشان بگمار که مراقب نهانی تو در کارهایشان ،
و اداری کننده آنهاست به رعایت امانت ، و مهربانی است بر رعیت .

شایعه پراکنی

پیامبر اکرم (ص) در توصیه ی خود به ابوذر غفاری می فرماید :
ای ابوذر برای دروغگو بدون فرد همین بس که هرچه را می شنود بازگو نماید .
یعنی حتی در جایی که شنیده های او عین واقع باشد ، اما او بدون تحقیق و بررسی به بازگویی آنها بپردازد ،
دروغگو به حساب می آید چه رسد به اینکه از آنچه شنیده است بکاهد ، یا بر آن بیافزاید .

سوء استفاده از دیگران

هرگز نباید معاشرت با دیگران را به عنوان پلی برای رسیدن به مطالع و خواسته های شخصی خود قرار دهیم .
امیرمومنان (ع) در سفارش خود به امام حسن (ع) ، به این نکته ی مهم اشاره می کند که هرگز نباید به اعتماد
دوستی با کسی ، حق او را ضایع کرد :

و حق برادرت را به اعتماد دوستی که با او داری ضایع مگردان ، زیرا کسی که حق او را ضایع کنی دیگر برادر تو
نخواهد بود .

یکی از مهم ترین شرایط پایداری دوستی و معاشرت با دیگران ، رعایت انصاف در حق آنان است .

امام علی (ع) می فرماید : انصاف موجب پیوند دل ها به یکدیگر می شود .

دوستی و دوست یابی

اهمیت دوست و نقش انکار ناپذیر دوستی ، در زندگی انسان ، بر کسی پوشیده نیست . در برخی از روایات ،
یکی از راه های شناخت دین و مذهب افراد ، شناخت دوستان آنان دانسته شده است . یکی از نخستین راه ها
برای قضاوت درباره شخصیت افراد ، شناخت معاشران و دوستان آنان شمرده شده است . بهره مندی از معاشران
خوب ، در کنار رازداری ، مساوی با بهره مندی از خیر دنیا و آخرت معرفی شده است .

ویژگی های دوست

۱. ظاهر و باطن دوست باید یکسان باشد ،
۲. افتخارات دوستش را افتخار خود و شکست های او را شکست خود بداند ؛
۳. ثروت و قدرت ، رفتار او را با دوستش تغییر ندهد ؛
۴. چیزی را از دوستش دریغ نرزد ؛
۵. در سختی ها دوست خود را رها نکند .

در روایتی که هم از حضرت عیسی (ع) نقل شده است و هم از پیامبر اکرم (ع) بهترین دوستان کسانی دانسته شده اند که :

۱. دیدن آنان انسان را به یاد خدا اندازد ؛
۲. گفتارشان بر دانش انسان بیافزاید ؛
۳. رفتارشان یاد آخرت را در دل انسان زنده کند .

اعتدال در دوستی

امام علی (ع) می فرماید :

دوستت را چندان دوست مدار ! مبادا که روزی دشمنت شود و دشمنت را چندان کینه مورز که بود روزی دوستت گردد .

امام صادق (ع) می فرماید :

پس از قطع ارتباط با دوستت ، چندان از او بدگویی نکن که راه بازگشت را بر او ببندی ، شاید که تجارت زندگی او را به سوی تو بازگرداند .

با که دوستی نورزیم ؟

امیرمؤمنان (ع) در پاسخ به این پرسش که ((بدترین دوستان کیان اند ؟)) فرمود : ((کسی که گناه را در چشم انسان زیبا جلوه می دهد .)) آن حضرت از همنشینی و دوستی با افراد چاپلوس نیز برحذر داشته است و می فرماید :

با چاپلوس معاشرت نکن ، چرا که کارش را در نظر تو زیبا جلوه می دهد و دوست دارد که تو هم مثل او باشی .

امام باقر (ع) می فرماید :

پدرم ، امام سجاد ، به من فرمود : ((پسر ، مواظب باش که با پنج گروه نه دوستی داشته باشی و نه همسخن شوی و نه در راهی با آنان همراه شوی .))

گفتم : ((پدر ! آنان کیان اند ؟))

فرمود : ((از دوستی با دروغگو بپرهیز ، زیرا دروغگو همچون سراب است ، دور را برای تو نزدیک جلوه می دهد و نزدیک را برایت دور می نمایاند . از دوستی با فاسق بپرهیز ، چرا که تو را به لقمه ای یا کمتر از لقمه ای می فروشد . از دوستی با بخیل بپرهیز ، زیرا تو را در زمانی که بیشتری نیازمندی را به مال او داری ، رها می کند . از دوستی با احمق بپرهیز ، چرا که احمق هر چند اراده ی سودرسانی به تو را دارد ، اما به تو زیان می رساند . از دوستی با کسی که رابطه اش را با خویشان خود قطع کرده است بپرهیز ، چرا که در سه آیه از قرآن مورد لعن قرار گرفته است ...))

فصل ششم

اخلاق جنسی

"و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد ؛ در این ، نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند."

سوره روم/۲۱

"مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید ، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را ؛ اگر فقیر و تنگدست باشند ، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد ، خداوند گشایش دهنده و آگاه است و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند ، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند."

سوره نور/۳۲ و ۳۳

جایگاه و اهمیت

اخلاق جنسی ، به سلسله مباحث فلسفی و اخلاقی گفته می شود که حول محور گزینه ی جنسی و مسائل مرتبط با آن شکل می گیرد.

بیان دیدگاه ها

درباره گزینه و علاقه جنسی ، دیدگاه های متعدد و گوناگونی مطرح شده است . به طور کلی ، می توان این دیدگاه ها را به سه دسته ی تفریطی ، افراطی و معتدل تقسیم کرد .

دیدگاه تفریطی

همواره افراد و گروه ها و آیین هایی بوده اند که علاقه و گزینه جنسی را یک گزینه ذاتاً پلید ، زشت و شیطانی دانسته اند .

برای نمونه ، برهمنان آیین بودا معتقدند کسی می تواند به مقامات بالای معنوی دست یابد که از همه ی تعلقات مربوط به گزینه ی جنسی آزاد باشد . حتی علاقه به فرزند را با معنویت بیگانه می بینند . اصولاً اینان زندگی درون خانه را اسارت و بردگی و امری پلید و ناپاک دانسته و معتقدند انسان آزاد ، کسی است که خانه و خانواده را ترک بگوید .

رهبران مسیحی نیز هرچند ازدواج را به طور کلی تحریم نمی کنند ، اما آن را عملی ذاتاً پلید می دانند .

برخی از صوفیان نیز با توجه به میل تنوع طلبی و افزون خواهی انسان ، معتقدند انسان هر چیزی را که ببیند ، طالب آن می شود ، پس چه بهتر که چیزی را نبیند و نخواهد . معنای ظاهری این دو بیتی که منسوب به باباطاهر است ، گویای همین دیدگاه است :

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند ، دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

علی (ع) زمانی در شهر بصره ، به خانه یکی از یارانش به نام علاء بن زیاد حارثی رفت . در گفتگوهایی که میان آنان گذشت ، علاء به امام علی (ع) عرض کرد که برادرم عاصم بن زیاد جامعه ای پشمین به تن کرده و از دنیا روی برگردانده است . امام فرمود : "او را نزد من آرید" وقتی او را دید به وی فرمود :
"ای دشمنک خویش ! شیطان سرگشته ات کرده و از راهت به در برده . بر زن و فرزندان رحمت نمی آری، و چنین می پنداری که خدا آنچه را پاکیزه است ، بر تو روا فرموده ، اما ناخشنود است که از آن برداری ؟ تو نزد خدا خوارمایه تر از آنی که می پنداری ."

دیدگاه افراطی

در دوران جدید ، پس از طی گسترده ی مسائل روان شناسی و روانکاو و پیشرفت نسبی علم روان شناسی ، دیدگاهی کاملاً مخالف با دیدگاه پیشین ، درباره علاقه و غریزه ی جنسی مطرح شد . طراح اصلی این دیدگاه زیگموند فروید ، روان شناس و روانکاو مشهور اتریشی بود.

دیدگاه معتدل

غریزه جنسی از دیدگاه اسلام ، یکی از بزرگترین نعمت های الهی و حکیمانه ترین وسیله ای است که تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسانی را تضمین می کند . اسلام میان معنویت و بهره مندی از لذات جنسی مناقاتی نمی بیند.

روزی سه نفر از زنان مدینه به حضور پیامبر اکرم آمده از شوهران خود شکایت کردند . یکی گفت : شوهر من گوشت نمی خورد . دیگری گفت : شوهر من از بوی خوش پرهیز می کند . و سومی گفت: شوهرم تمایلی به معاشرت با من ندارد . پیامبر اکرم (ص) از شنیدن این سخنان ، به شدت ناراحت شد و بی درنگ ، در حالی که از شدت خشم ردایش بر زمین کشیده می شد ، از خانه به مسجد آمد و بالای منبر رفت و پس از حمد و ستایش خداوند ، فرمود : چرا برخی از اصحاب من از خوردن گوشت استعمال بوی خوش و معاشرت با زنان اجتناب می کنند . همانا من خودم هم گوشت می خورم و هم بوی خوش استعمال می کنم و هم با زنان معاشرت دارم . هر کس از سنت من اعراض کند از من نیست .

زنی به محضر امام باقر (ع) رسید و عرض کرد : من متبتله هستم :

امام : منظورت از تبتل چیست ؟

زن : هرگز قصد ازدواج ندارم و می خواهم به صورت مجرد زندگی کنم .

امام : چرا ؟

زن : می خواهم به معنویت و فضیلت دست یابم .

امام : دست از این کارها بردار . اگر مجرد فضیلت بود فاطمه ی زهرا (س) سرور زنان عالم، سزاوارتر به این کار بود .

عوامل شهوت پرستی و شهوت رانی

۱. ضعف در خدانشناسی و سستی در ایمان به خدا و پیامبر و عدم رعایت دستورات دینی

۲. ضعف در خودشناسی و نداشتن درکی درست از خویشتن و فروکاستن ارزش انسانی خود تا سر حد حیوانات

۳. ضعف در شناخت حقایق امور و عدم شناخت پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی شهوت پرستی و شهوت رانی .

اهمیت ازدواج در اسلام

بدترین و پست ترین مردگان و اموات مسلمان ، انسان های عزب دانسته شده اند ؛ یعنی کسانی که احساس نیاز به ازدواج می کنند و تمکن مالی نیز باری ازدواج دارند ، اما از ازدواج خودداری می کنند. بدترین و پست ترین مردگان مسلمان به شمار می روند . با توجه به آن روایت مشهور پیامبر (ص) که فرمود : " ازدواج سنت من است و هرکس از سنت من اعراض کند ، از من نیست) می توان گفت که یکی از شرایط مسلمانی ازدواج است. "

پیامبر اکرم (ص) در یک خطاب کلی به همه ی جوانان می فرماید :

ای جوانان هر کدام که می توانید ، ازدواج کنید ؛ زیرا ازدواج موجب عفت چشم و پاکدامنی می شود و هرکسی که امکان ازدواج ندارد ، برای فرونشاندن آتش شهوت خود ، روزه بگیرد .

امام صادق (ع) در این باره می فرماید :

کسی که به سبب ترس از فقر ازدواج نکند ، نسبت به خداوند بدگمان است.

امام صادق (ع) می فرماید : شخصی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و از فقر و تندگستی نالید؛ پیامبر به او فرمود : "ازدواج کن". آن شخص ازدواج کرد و پس از مدتی وضع زندگی او رو به بهبودی نهاد . در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل است که فرمود :

برای بهره مندی از رزق ازدواج کنید؛ زیرا در زنان برکت است .

ارزش واسطه ازدواج شدن

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید ، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را ؛ اگر فقیر و تنگدست باشند ، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد ، خداوند گشایش دهنده و آگاه است و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند ، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند .

امیرموان (ع) می فرماید :

برترین واسطه گری ها واسطه گری در امر ازدواج است .

امام صادق (ع) می فرماید :

کسی که وسایل ازدواج را برای شخصی فراهم کند، روز قیامت مورد توجه خاص خداوند قرار می گیرد.

شرایط همسر خوب

الف (اصالت خانوادگی

اصالت خانوادگی یعنی متقی و پارسا بودن خانواده ؛ یعنی متدین بودن پدر و مادر . پیامبر اکرم (ص) به شدت از ازدواج با دختران زیبایی که شرافت خانوادگی ندارند ، برحذر داشت و می فرماید :

"ای مردم ، از گیاهان سبز و خرمی که در مزبله رشد کرده اند بپرهیزید ! گفتند : ای رسول خدا، منظور از این جمله چیست ؟ در پاسخ فرمود : دختر زیبایی که در خانواده ای بد رشد کرده باشد."

در روایت دیگری از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرموده اند : "فرزندان انسان از نظر ویژگی های جسمی و روحی ، بیشتر به برادران زن او شباهت پیدا می کنند."

ب (تقوا و تدین

امام صادق (ع) می فرماید :

اگر کسی به دلیل زیبایی یا ثروت با یک زن ازدواج کند ، خداوند او را به همان ها واگذار می کند ؛ اما اگر معیار او در انتخاب همسرش دین او باشد خداوند زیبایی و ثروت را نیز به او عطا می کند .

مردی به محضر امام حسن (ع) آمد و عرض کرد دختری دارم و زمان ازدواجش فرا رسیده است . او را به چه کسی بدهم ؟ امام حسن (ع) فرمود : کسی که تقوای الهی دارد ؛ زیرا اگر او را دوست داشته باشد ، عزیزش می دارد و اگر او را خوش ندارد ، به او ظلم نخواهد کرد .

پیامبر اکرم (ص) فرموده اند :

کسی که دختر خود را به ازدواج فاسق درآورد ، رابطه ی نسبی خود را با او بریده است .

فضایل اخلاقی مربوط به امور جنسی

عفت و پاکدامنی

عفت عبارت است از تسلیم و انقیاد شهوت در برابر عقل ، یعنی قوه ی شهوانی انسان ، کارهای خود را بر اساس دستور عقل انجام دهد . به تعبیر دیگر ، عفت یعنی اعتدال در بهره مندی از شهوات .

امام علی (ع) می فرماید :

هنگامی که خداوند خیر و خوبی بنده اش را بخواهد ، در برابر غذاهای حرام عفت شکم ، و در برابر محرمات جنسی ، عفت جنسی به او می دهد .

امام باقر (ع) در این باره می فرماید :

هیچ عبادتی برتر از عفت شکم و عفت جنسی نیست .

غیرت

غیرت اصطلاحاً به معنای کوشش در محافظت از چیزهایی است که محافظت از آنها لازم است.

امیر مومنان در این باره می فرماید :

ثمره و میوه ی شجاعت ، غیرت است.

مولای متقیان (ع) نیز می فرمایند :

خداوند برای مومن غیرت می ورزد پس باید مومن نیز غیرت بورزد و هرکسی که غیرت نوزد ، قلبش واژگون شده است .

حجاب و ترک خود آرایی در انتظار عمومی

فوائد حجاب:

۱- بهداشت روانی زنان و مردان

۲- استوار کردن روابط اعضاء خانواده

۳- تامین کرامت و شخصیت زن

۴- نگهداری اجتماع از بی عفتی و آلودگی های جنسی

شبکه آموزشی - پژوهشی مادیج
با هدف بهبود پیشرفت علمی
و دسترسی راحت به اطلاعات
برای جامعه بزرگ علمی ایران
ایجاد شده است



madsg.com
مادیج

IRan Education & Research NETwork
(IRERNET)

